

مسئولیت زن ایرانی در براندازی رژیم ولایت فقیه  
 سخنرانی مریم رجوی به مناسبت روز جهانی زن  
 ۲۸ بهمن ۱۳۹۶

حضار محترم،

روز جهانی زن را به همه شما، به زنان جهان و به زنان آزاده ایران تبریک می گویم. تبریک به خاطر پایداری بر آرمان برابری و تبریک به زنان جهان زیرا خواهران شان در ایران، امسال در قیام علیه حکومت مرتجع و زن ستیز آخوندی پیشتاز بوده اند.

امسال روز زن؛ روز افتخار است، روز شادی و روز تحسین است. زیرا زنان ایران، در خط مقدم نبرد با بنیادگرایی که دشمن همه زنان جهان است، نقش آفرینی کردند. هم چنین به خواهران مان در سراسر جهان که در سال گذشته در برابر دیکتاتوری و بنیادگرایی و خشونت مقاومت کردند، به ویژه زنان سوریه درود می فرستیم سلام بر آن ها که در میان ویرانه های یک کشور با ده میلیون آواره و پانصد هزار قربانی، پرچم امید را برمی افرازند.

من امروز می خواهم درباره چند موضوع با شما صحبت کنم: درباره پیشتازی زنان در قیام ایران، درباره حق زن ایرانی در براندازی ولایت فقیه، مسئولیت زنان برای ادامه قیام ها، مسأله حجاب اجباری و سرانجام پاسخ به این سوال که نقش زن ایرانی که به آن معتقدیم، چه پشتیبانی دارد؟

### پیشتازی زنان در قیام ایران

یکی از جنبه های چشمگیر این واقعه، این است که نیروی محوری اش زنان و جوانان اند. بی دلیل نیست که نماد این قیام، تصویر دختری است که در میان دودهای گاز اشک آور، مشت خود را بلند کرده است. یکی از شعارهای قیام این بود که «اصلاح طلب، اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا». این شعار، اولین بار توسط دختران و پسران دانشجوی قیام کننده در تهران داده شد.

شعار مهم دیگر این بود که معترضان خطاب به آخوندها گفتند: بترسید، بترسید، ما همه با هم هستیم. در این ابتکار هم که جلوی زندان اوین صورت گرفت، زنان، فعالان نقش داشتند.

بله باید آخوندها بترسند که ما همه با هم هستیم.

خامنه‌ای گفته است: برابری جنسی زن و مرد از جمله حرف‌های کاملاً غلط غرب است. و زنان ایران پاسخ قاطعی به او دادند. زن شجاعی که درست در یک متری پاسداران و مأموران امنیتی ایستاد. و چشم در چشم آنها با همه وجود فریاد کشید: مرگ بر خامنه‌ای. نام این زن را نمی‌دانیم؛ اما در آن لحظه که فریاد کشید، نامش ایران بود.

در باره نقش زنان در قیام، معاون سیاسی سپاه پاسداران تصویر نسبتاً روشنی ارائه کرده است. او گفت: در دهه ۶۰ آن‌هایی که اعتراضات خیابانی سازمان مجاهدین را رهبری می‌کردند، بیشتر خانم‌ها بودند و اکنون نیز حلقه اصلی تحریک و شروع، خانم‌ها بودند به عنوان مثال، چهار نفر از این خانم‌ها ایلام را به آشوب کشیدند و بعد از دستگیری مشخص شد هیچ کدام آن‌ها ایلامی نبودند. به همین ترتیب آن‌هایی که از کرج بودند در کرمانشاه دستگیر شدند، یا آن‌هایی که از بندرعباس بودند در شیراز دستگیر شدند؛ این‌ها مجاهدینی بودند که سازمان یافته در شهرها حضور می‌یافتند و شعارها را جهت می‌دادند.

این اعتراف دشمن است که حلقه اصلی برانگیختن قیام‌ها زنانند و من تاکید می‌کنم که حلقه اصلی سرنگونی رژیم ولایت فقیه، زنان به‌پاخاسته و رزم‌آوران ایران‌اند.

### حق زن ایرانی در براندازی رژیم ولایت فقیه

زنان به‌خیابان‌ها نیامده‌اند که چیزی از رژیم بخواهند؛ بلکه آمده‌اند که رژیم آخوندی را از میان بردارند. زنان به‌قیام برخاسته‌اند که فقط آزادی خود را مطالبه کنند. قیام کرده‌اند که تمام ایران را آزاد کنند.

این واقعیت، موضوع دومین بخش صحبت‌های من است.

در دهه‌ی ۱۷۹۰، در انقلاب کبیر فرانسه، المپدوگوز بر اساس اعلامیه حقوق بشر فرانسه، اعلامیه حقوق زنان را صادر کرد. او در همان زمان اعلام کرد: «وقتی زن حق دارد اعدام شود پس باید حق داشته باشد که پشت تریبون قرار بگیرد».

ما هم به‌آخوندها می‌گوییم وقتی که ده‌ها هزار زن ایرانی را شکنجه و اعدام کرده‌اید، وقتی که ابتدایی‌ترین حقوق او را گرفته‌اید، پس زن ایرانی حق دارد رژیم ولایت فقیه را سرنگون کند. و قطعاً این حق را به کرسی خواهد نشاند.

براندازی، حق زن ایرانی است و در عین حال، یگانه راه او برای آزادی و برابری. به‌گواهی تجربه ۳۹ سال گذشته، این رژیم هیچ راه و روش دیگری باقی نگذاشته. آیا از بازی اصلاحات و اعتدال قلابی چیزی عاید زنان ایران شد؟ هرگز. آیا تلاش‌هایی که برای اصلاح جزئی قوانین پرتبعیض صورت گرفت، فایده‌ی داشت؟ هرگز. آیا سال به‌سال حجم قوانین زن‌ستیزانه بیشتر نشده؟ آیا سال به‌سال فرصت اشتغال زنان از دست نرفته؟ آیا سال به‌سال زن ایرانی بیکارتر، مطرودتر و بیش از همیشه تحقیر نشده است؟

در نتیجه این سیاست‌ها، اکثریت جامعه ایران و به‌ویژه زنان روز به روز فقیرتر شده‌اند. به وضعیت جامعه نگاه کنید، کلیه فروشی، فروش نوزاد، ازدواج دختر بچه‌ها، تعدی و توهین و تحقیر. راستی که قلب و وجدان ملت ایران از این همه ستم و بیداد علیه زنان جریحه‌دار است.

و اما موضوع بعدی، این است که چرا آخوندها ابتدایی‌ترین حقوق زنان را از آن‌ها سلب کرده‌اند؟ آخوندهای حاکم می‌گویند: این مطابق دستور اسلام است. در حالی که روی آوردن به دین، بر اساس انتخاب آزادانه و داوطلبانه هر فرد است. در قرآن آمده است: لا اکراه فی الدین. پس هر چیزی که از روی تحمیل و زور باشد، بر خلاف اسلام حقیقی است. می‌خواهد دین اجباری باشد یا حجاب اجباری. حجاب اجباری برضد اسلام است، برای به‌بند کشیدن زنان است، برای سرکوب عموم مردم است.

زنان ایران از روز اول، فهمیدند که آخوندها چه هدفی دارند. به‌همین دلیل در همان اسفند ۱۳۵۷ زنان مجاهد در حالی که خودشان روسری داشتند، در تظاهرات اعتراضی علیه حجاب اجباری شرکت کردند. از روز اول، تحمیل حجاب به زنان، وسیله اختناق و سد کردن راه زنان بوده است و نه چیز دیگر.

خمینی در ۲۲ بهمن حاکمیت شوم‌اش را شروع کرد. فقط ۱۵ روز بعد در ۶ اسفند «قانون حمایت خانواده» را ملغی کرد. در ۹ اسفند تبعیض جنسی علیه زنان را به عرصه ورزش کشاند. در ۱۳ اسفند حق یک‌جانبه طلاق را به‌مردان داد. در ۱۵ اسفند قانون خدمات اجتماعی زنان را لغو کرد و در ۱۶ اسفند حجاب اجباری را به‌کارمندان زن تحمیل کرد که مجری آن در ادارات ارتش همین رئیس جمهور فعلی رژیم، آخوند روحانی بود.

تاریخچه ۳۹ ساله این رژیم، تاریخچه سرکوب زن ایرانی است و حالا زن ایرانی می‌خواهد با قیام خود این صفحه تاریک را از تاریخ ایران ورق بزند.

به‌همین دلیل قیام ایران، فقط برای براندازی یک نظام سیاسی نیست؛ بلکه قیامی است علیه بنیادگرایی و ارتجاع مذهبی، که منطقه را به خاک و خون کشیده است. این طلوع تازه‌یی است. طلوعی پر امید نه فقط برای مردم ایران، بلکه برای تمام مردم منطقه و جهان. زیرا ارتجاع و بنیادگرایی که در سال ۵۷ با حاکمیت استبداد مذهبی در ایران متولد شد، در قیام‌های ۹۶ مرد و مردار شد.

### مسئولیت زنان برای ادامه قیام‌ها

خطاب من به زنان دلیری است که در قیام‌ها فعالانه حضور داشتند. اوضاع کنونی ظرفیت ادامه قیام‌ها را فراهم کرده است و پیام آن به شما زنان به‌پاخاسته این است که مسئولیت استمرار قیام را بر شانه‌های خود بگذارید. این مسئولیت از دو بخش مهم تشکیل شده است. اول: شکستن دیوار ترس و ناباوری، دوم سازمان دادن قیام‌ها.

اجتماعات اعتراضی ماه‌های اخیر و در اوج آن قیام‌ها، یک بار دیگر نشان داد که شما زنان شجاع، در لحظه‌های حساس توانسته‌اید اوضاع را تغییر دهید و باعث گسترش اعتراض‌ها شوید.

نقش شما در این لحظات، تعیین‌کننده است. مسئولیت اخص شما شکستن فضای ترس، خفقان و ناباوری است. نقش شما این است که امید و جرأت مردم را احیا کنید و توان مقابله با سرکوب را در جوانان شعله‌ور نمایید. وقتی پاسداران برای دستگیری جوانان هجوم می‌آورند، همه کسانی را که با ترس و تردید در اطراف ایستاده‌اند، به حرکت کردن، فریاد کشیدن و محاصره مزدوران برانگیزید. شما می‌توانید از مقابله با یک دستگیری، انگیزش اعتراض و قیام ایجاد کنید.

نسل میلشیا، یعنی همان نسل مسعود، دختران و پسران دانش‌آموز و دانشجو، بعد از انقلاب ضدسلطنتی در سال‌های ۵۷ تا ۶۰، در مقابل حمله چماقداران و پاسداران می‌ایستادند و جلودار جنگاوری و نبرد برای آرمان آزادی بودند. خواهران مجاهدتان در اشرف و لیبرتی با همین روحیه جنگاوری، در خط مقدم ایستادند و بارها هجوم مزدوران تا دندان مسلح را متوقف کردند.

پس وقتی که مزدوران رژیم حمله می‌کنند، برای تهاجم متقابل و شکست و عقب‌نشینی آن‌ها تلاش کنید. در مقابل دستگیری قیام‌کنندگان، اعتراض‌ها را افزایش دهید و خانواده‌های زندانیان را در مقابل زندان‌ها همراهی و حمایت کنید. خواهران عزیزم، شما می‌توانید دیوار ناباوری و ترس و ناامیدی را در هم بشکنید. بارها دیده‌ام که بادستان زنجیر کرده به هم در مقابل صفوف تظاهرات پیش می‌روید. این راه و رسم را ترویج کنید. این صف بهم پیوسته می‌تواند و باید آزادی و برابری را محقق کند.

دومین وظیفه شما زنان و دختران عزیزم، سازمان دادن است. قیام دی ماه نشان داد که لازمه پیشروی، سازمان‌یافتگی است. پس برای سازمان‌دادن سایر خواهران‌تان تلاش کنید.

به‌زنان هموطن در همه شهرها بیاموزید که کانون‌ها یعنی هزار اشرف را تشکیل دهند. به‌آن‌ها بیاموزید که شوراهای مقاومت برپا کنند. به‌مادران بگویید اندوه ۳۹ ساله دیگر کافی است. حالا زمان تشکیل شورای مقاومت مادران برای ادامه قیام است.

به‌زنان سرپرست خانوار بگویید پنجره‌بی به‌سوی امیدهای واقعی وجود دارد که‌دستان شما می‌تواند آن را باز کند. زنان بیکار یا اخراج شده با تشکیل شوراهای مقاومت می‌توانند به کاری بزرگ دست بزنند. راه پایان دادن به حقوق پایمال شده، تشکیل شوراهای مقاومت و کانون‌های شورشی برای ادامه قیام تا پیروزی است؛ شورای مقاومت معلمان، بازنشستگان، شورای زنان کارمند، کارگر، دانشجو و دانش‌آموز، شورای مقاومت پزشکان، پرستاران، مادران اعدام‌شدگان و مادران زندانیان.

آری، بگذارید هزار چشمه بجوشد، بگذارید هزار گل بشکفتد، بگذارید کانون‌ها و شوراهای مقاومت در هر شهر و روستا تکثیر شوند.

چنان که مسعود گفته است: «ولی فقیه ... از تشکیلات و سازماندهی و مقاومت سازمان یافته، به غایت می ترسد و در آن به عیان سرنگونی محتوم خود را می بیند. او بهتر از هر کس می داند که مجاهدین و شبکه اجتماعی قیام و کانون های شورشی و هزار اشرف به راستی زن و مرد جنگ و رزم آوران میدانند».

و تاکید من این است که برای گسترش قیام و سرنگونی نظام ولایت فقیه، باید صدها و هزاران فرصت خلق کرد و این در توان همه شما زنان آزاده ایران هست. زیرا پیشتازان شما در این مقاومت با تجارب بسیار ارزنده، چهار دهه است که مبارزه میکنند و اکنون در شورای مرکزی مجاهدین با هزار زن قهرمان پیشتاز نبرد با دیکتاتوری مذهبی هستند.

### سیاست آخوندها، سرکوب زنان و به انفعال کشاندن مردان است

می خواهم به مردان آزادی خواه ایران به ویژه جوانان، بگویم که خشم و بیزاری خود از رژیم آخوندی را با ایستادگی در برابر زن ستیزی رژیم، همراه کنید. سیاست آخوندها، سرکوب زنان و به تسلیم و انفعال کشاندن مردان است. این سیاست را در هم بشکنید.

برادران پیشتاز شما در صفوف مجاهدین و مقاومت ایران، راه پیشرفت مبارزاتی و فکری خود را با محترم شمردن برابری زنان طی کرده اند. شما نیز برای دفاع از هویت انسانی خود، و برای دفاع از شخصیت زن ایرانی، در برابر آخوندها و سرکوب آنها به مبارزه برخیزید. در مقابل هرگونه تعرض به زنان، هرگز سکوت نکنید، هرگز تسلیم نشوید و هرگز تماشاچی نباشید. در برابر سرکوب و تحقیر زنان و جوانان بایستید و به این وسیله از ارتجاع و ایدئولوژی عقب مانده آخوندی فاصله بگیرید و استواری و شرف انسانی خود را صد چندان کنید. آری شما مردان هم می توانید علیرغم سرکوب و علیرغم فرهنگ ارتجاعی این رژیم و این حکومت استبداد مذهبی، در این قیام هویت انسانی خود را بارز و صد چندان کنید.

### نقش تعیین کننده زنان ایران در تغییر به سوی آزادی

ما پیوسته بر این اعتقاد تأکید می کنیم که زن ایرانی نقش تعیین کننده در تغییر ایران به سوی آزادی دارد. اما چگونه؟ موقعیت زن ایرانی را کسی به او نداده است. او این موقعیت را با رنج و خون و اراده آزادی خواهانه خود در مسیر مبارزه با دو دیکتاتوری و برخورداری از یک راهبری ذیصلاح بدست آورده است؛ در شامگاه ۳۰ خرداد سال ۶۰، خمینی ۱۲ دختر مجاهد را اعدام کرد. تنها به این جرم که در تظاهرات ۳۰ خرداد شرکت کرده بودند. اغلب آنها کم تر از ۱۸ سال داشتند و در موقع اعدام، حتی حاضر به گفتن نام خود نشدند. بعدها، ده ها هزار زن مجاهد و مبارز دیگر به خاطر مبارزه در راه آزادی مردم ایران، شکنجه شدند یا که بر سر دار رفتند.

راستی چرا خمینی شکنجه گاه های موسوم به واحدهای مسکونی را علیه زنان زندانی به کار گرفت؟ چرا آنها را در قفس و تابوت محبوس کرد؟ زیرا در برابر مقاومت آنها، بارها و بارها شکست خورد. مقاومت زندانیان مجاهد و مبارز به ویژه زنان در سال های ۶۰ تا ۶۷ به راستی از فرازهای پرافتخار تاریخ مقاومت برای آزادی است. در سال ۶۷ زنان و مردان مجاهد در

مقابل دو انتخاب قرار گرفتند: یا تسلیم یا چوبه‌های دار. آن‌ها با ایستادگی بر سر موضع خود و با دفاع از آرمان مجاهدین و مسعود جان‌های خود را تقدیم کردند. پایداری در برابر خمینی با چنین بهایی دوام یافت.

در سال‌های اول حاکمیت خمینی، دختران مجاهد و مبارز سد استواری در برابر او تشکیل دادند. در قدم بعد، دلاورانی هم‌چون طاهره اسکندر نژاد یا اکرم خراسانی را می‌بینیم که پیش‌تاز نبرد با پاسداران در خیابان‌های تهران بودند. در سازمان مجاهدین و ارتش آزادی‌بخش ملی، بالاترین مواضع فرماندهی را هدایت کردند. در نبردهای فروغ جاویدان، روحیه و تهاجم‌شان چنان دشمن را به وحشت انداخت که پس از سه‌دهه هنوز با ترس، از آن یاد می‌کند. طاهره طلوع از فرماندهان همان نبردها بود. پاسداران از فرط کینه، با زدن خنجر به قلب او، پیکرش را به صخره‌های چهار زیر در کرمانشاه آویختند.

سپس زن ایرانی را در پایداری ۱۴ ساله اشرف و لیبرتی می‌بینیم. و حالا در شورای مرکزی آن‌ها در دل یک محاصره سخت و طولانی، دژ آزادی ایران را برپا کردند. و حالا همین دلاوری‌ها را در حضور زنان در قیام‌ها یا مقاومت و اعتصاب غذای زندانیان سیاسی می‌بینیم.

جامعه ایران از یاد نخواهد برد که زنانی چون فاطمه امینی، مرضیه اسکویی، اعظم روحی آهنگران و اشرف شهیدان، چگونه با عزم و فداکاری خود برای انقلاب بهمن راه باز کردند. سلام بر همه آن‌ها.

با همین پشتوانه است که می‌گوییم مرتجعین نمی‌توانند مانع پیروزی زن ایرانی شوند.

سرانجام، روی سختم به جنبش‌های برابری و خواهرانم در سراسر دنیا است. خوشبختانه در این‌جا خواهران عزیزم از کشورهای مختلف آسیا، اروپا، آمریکا، آفریقا، کانادا و استرالیا حضور دارند. می‌خواهم تاکید کنم که بزرگترین پروژه زنان در این دوران برای مدافعان حقوق زنان، حمایت از مبارزه علیه بنیادگرایی و تروریسم است و از آن‌جا که قلب این بنیادگرایی و ارتجاع در ایران تحت حاکمیت آخوندهاست، حمایت از قیام مردم ایران برای سرنگونی این رژیم، اهمیت مضاعف دارد. من مطمئنم که زنان جهان به این وظیفه تاریخی عمل خواهند کرد.

بله

در شرایطی که زنان، یعنی نیمی از جمعیت جهان، هم‌چنان از سرکوب و فقر و تبعیض و خشونت رنج می‌برند، هر مقاومتی علیه ستم و بی‌داد، دستاوردی برای همه زنان است.

به شما، زنان فعال در جنبش برابری می‌گویم: قیام خواهران شما در ایران، علیه رژیم زن‌ستیز حاکم، پیشرفتی برای همه بشریت است. هر قدمی که برای آن‌ها بردارید، هر فعالیتی برای دفاع از دستگیرشدگان، هر تلاشی برای افشای شکنجه زندانیان و هر کاری برای واداشتن دولت‌ها به قطع رابطه با رژیم آخوندی، اثرگذار خواهد بود.

در شرایط کنونی، خواست ما آزادی فوری زندانیان قیام، آزادی بیان و اجتماعات و لغو سرکوب و حجاب اجباری است. برای برآوردن این خواست‌ها ما به یاری تک تک شما نیازمندیم.

روزی که زنان ایرانی سنگر بنیادگرایی را در ایران درهم بشکنند، آزادی و برابری در همه جهان جهش می‌کند و آن روز دور نیست. از همه شما متشکرم.